

ه . ل . راپینو

ترجمه از : آقای دکتر باقر امیرخانی  
(مانده از شماره اول سال چهاردهم)

# تاریخ مازندران و فرمانروایان آن سامان

## سلسله پادوسبانیان<sup>۱</sup>

سلسله پادوسبانیان تقریباً از سال ۶-۶۶۵/۴۵ تا ۹۸-۱۵۹۷/۱۰۰۶ هنگامی که شاه عباس صفوی آخرین فرمانروایان این سلسله را از بین برد در رستمدر و رویان و نور و کجور یعنی نواحی واقعه بین گیلان و ناحیه آمل حکومت کردند . این سلسله پیوسته از امرای طبرستان اطاعت میکردند محقق است که گاهگاهی اعراب و دعای علوی و امرای خراسان در اعصار مختلف نواحی ساحلی و رویان را متصرف می شدند اما کوهستانات تاملر زهای دیلمستان پیوسته در دست استونداران بود و اغلب اوقات امرای دیلم و گیلان از متحدین آنان بشمار میرفتند .

پس از مرگ ملک کیومرث در سال ۱۴۵۳/۸۵۷ رستمدر بین پسرانش کاوس

۱- منابع :

Melgunoff, Das Südliche Ufer des Kaspischen Meeres.

Dorn, Reise nach Masanderan.

Dorn, Mémoire de l'Ac. Imp. St. Pet., XXIII (1877), P. 103.

Barthold, Musulmanskia Dinastii, P. 292.

Sachau, Verzeichnis.

Zambaur, Manuel de généalogie et de chronologie.

Rabino. Mazandarān and Astarābād. P. 144-146.

واسکندر که بترتیب اجداد بنی کاوس امرای نور و بنی اسکندر امرای کجور می باشند تقسیم شد. فرمانروایان این سلسله ابتدا عنوان اسپهبد و سپس استوندار<sup>۱</sup> و بالاخره ملك داشتند .

### الف - امرای رستم‌دار

۱ - پادوسبان بن گیل گاوبار ابن فیروز بن نرسی بن جاماسپ بن پیروز ساسانی (اسفندیار، صفحه ۹۸ و ظهیر، صفحات: ۴۳، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۱۴۶، ۱۵۰، ۳۲۰).

مدت حکومت ۳ سال<sup>۲</sup>. پادوسبان نخستین کسی است که در رستم‌دار فرمانروایی کرد و در زمان حکومت وی اهالی آن سامان در صلح و آرامش بسر بردند. باید افزود که برادرش دابویه مؤسس سلسله دابویگان می باشد. پادوسبان پسری بنام خورزاد داشت.

۲ - خورزاد بن پادوسبان (ظهیر، صفحات: ۵۱، ۱۴۶، ۱۵۰، ۳۲۰).

مدت حکومت ۳ سال<sup>۳</sup>. خورزاد نیز سیاست مسالمت آمیز پدر خود را دنبال کرد.

۳ - پادوسبان بن خورزاد (اسفندیار، صفحات: ۴۶، ۷۳ و ظهیر، صفحات: ۵۲، ۵۳، ۱۴۶، ۱۵۰، ۳۲۰).

مدت حکومت ۴ سال<sup>۴</sup>. وی بعلاّت جود و کرم خود مورد ستایش قرار گرفته است. او اسپهبد شروین باوند و وندا هر مزدقار نوندرا برای راندن اعراب یاری کرد

۱ - این اسم یا از کلمه استان که در زبان طبرستان مفهوم کوه دارد مشتق است و یا از نام یکی از پادشاهانی که در این ناحیه حکومت میکرده است.

۲ - ظهیر و زاخاو و زامباور، ۴۰-۷۵ هـ. زامباور دوسر بدو نسبت میدهد: خورشید و استوندار شهریار رویان.

۳ - ظهیر و زاخاو و زامباور، ۷۵-۱۰۵ هـ.

۴ - ظهیر و زاخاو و زامباور، ۱۰۵-۱۴۵ هـ.

و پسرش شهریار را بالشکری بچنگ عمر بن العلاء فرستاد و عمر در رویان مغلوب شد. پادوسبان تمام متصرفات موروثی خود را که قسمتی از آنها را اعراب تصاحب کرده بودند بچنگ آورد. وی پسری بنام شهریار داشت. (صفحات ۵۲، ۵۳، ۱۵۵، ۳۲۰).

مدت حکومت ۳۰ سال<sup>۱</sup> - وی معاصرون و ندا امید قارن و نودم صمغان و لاش و اسپهبد شروین باوند بود.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- وندا امید.

۲- نماور<sup>۲</sup> که پدر سخراب و جد بزرگ افریدون بن قارن بن سخراب می باشد.

۵- وندا امید بن شهریار (ظهیر، صفحه ۳۲۰).

مدت حکومت ۳۲ سال<sup>۳</sup>.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- عبدالله.

۲- رستم که پدر محمدخیان می باشد<sup>۴</sup>. محمدخیان سه پسر بنامهای قارن،

اپرویز و خسک داشت.

۶- عبدالله بن وندا امید (اسفندیار، صفحه ۱۶۲ و ظهیر: صفحات، ۵۳،

۱۵۰، ۲۸۳، ۳۲۰).

مدت حکومت ۳۴ سال<sup>۵</sup> - وی اولین کسی است که در مقابل جور و ستم محمد بن

۱- ظهیر و زاخاو و زامباور، ۱۴۵-۱۷۵ هـ.

۲- ظهیر، صفحات: ۱۴۶، ۱۵۰، ۳۲۰.

۳- ظهیر و زاخاو و زامباور، ۱۷۵-۲۰۷ هـ.

۴- اسفندیار صفحات: ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱ و ظهیر، صفحات: ۵۳، ۲۴۸.

۵- اسفندیار و زاخاو و زامباور ۲۰۷-۲۴۱ هـ.

اوس حاکم خلیفه قیام کرد و از جمله کسانی است که حسن بن زید را برای تصرف طبرستان و تأسیس سلسله دعاء دعوت نمودند و خواهرزاده اش محمد بن رستم بن یزید انکرند را فرمانده طایفه لشکر حسن بن زید کرد.<sup>۱</sup>

۷- افریدون بن قارن بن سخراب بن نماور بن پادوسبان (ظہیر صفحات ۵۳، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۳۲۰).

مدت حکومت ۲۲ سال<sup>۲</sup>.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- پادوسبان.

۲- شیرزاد یا کیردیزاد که دو پسر داشت. دیو بند پدر جمشید، و تیدا پدر هروسندان و دختری که بعقد ازدواج مرد او بیچ بن زیار درآمد<sup>۳</sup>.

۸- پادوسبان بن افریدون (اسفندیار، صفحات ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۷، ۲۳۷ و ظہیر صفحات ۵۳، ۵۴، ۱۴۹، ۲۰۸ و ۳۳۰).

مدت حکومت ۱۸ سال - وی داعی حسن بن زید را در جنگهایی که بر علیه سلیمان بن عبدالله بن طاهر واسپهد قارن بن شهریار باوند میکرد یاری نمود. در سال ۲۵۲/۸۶۶ یعقوب بن لیث صفاری از اغتشاشاتی که خلیفه را در بین النهرین و طاهر بن عبدالله را در خراسان بخود مشغول ساخته بود برای تصرف سیستان و قسمتی از خراسان استفاده کرد و بسال ۲۶۰/۸۷۵ با استفاده از همین اوضاع آشفته از راه گران بطبرستان نفوذ یافت و تا کالوس پیش رفت. یعقوب پادوسبان را فرمانروائی طبرستان تعیین کرد اما بیش از چهار ماه نتوانست در آنجا بماند. در سال ۲۷۰/۸۸۴ پادوسبان واسپهد

۱- ظہیر، صفحه ۵۳.

۲- بگفته ظہیر و زاخاو و زامباور افریدون و پادوسبان جمعاً ۱۸ سال حکومت کردند.

۳- ۲۵۹-۲۴۱ هـ.

۲- رك: اسفندیار صفحات: ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۷۱.

رستم بن قارن باداعی محمد بن زید متحد شدند. وی پسری بنام شهریار داشت .

۹ - شهریار بن پادوسبان . ( اسفندیار، صفحات : ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱ و ظهیر، صفحات: ۵۴، ۱۴۹، ۳۰۲، ۳۱۰، ۳۲۰ ) .

مدت حکومت ۱۵ سال<sup>۱</sup> - در سال ۲۹۰/۹۰۳ شهریار با اسپهبد شروین باوند بر علیه داعی ناصر کبیر بسامانیان پیوست و مدت چهل شبانه روز در تمنگا به نبرد پرداخت. در سال ۳۰۱/۹۱۴ میانۀ وی باناصر کبیر بهم خورد و عقیقی فرمانده سپاه وی را منہزم و مقتول ساخت .

۱۰ - هر وسندان بن تیدابن شیرزاد بن افریدون ( اسفندیار ، صفحات: ۲۰۲، ۲۰۷ و ظهیر، صفحات: ۱۴۹، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۲۰ ) .

مدت حکومت ۱۲ سال<sup>۲</sup> - وی بداعی حسن بن قاسم بیعت کرد و داعی ناصر کبیر را در لاریجان بزدان انداخت. سپس بر اثر فشار افکار عمومی مجبور شد که زندانی خود را آزاد و متصرفاتش را نیز بخود وی تسلیم کند . داعی ابو جعفر ناصر ویرا بقتل رساند .

هر وسندان در حوادثی که از سال ۱۴-۳۰۱/۹۱۳ تا ۳۰۷/۹۱۹ وقوع پیوست مداخله کرد. خواهرش بعقد ازدواج زیار در آمد و مرداویج از وی متولد شد .

۱۱ - شهریار بن جمشید بن دیوبند بن شیرزاد ( اسفندیار، صفحات : ۲۰۶، ۲۱۶ و ظهیر، صفحات: ۵۴، ۱۴۶، ۱۴۹، ۳۱۰، ۳۲۰ ) .

مدت حکومت ۱۲ سال<sup>۳</sup> - ابن اسفندیار ابتدا نام وی را شهریار بن وندا امید و سپس اسپهبد شهریار وندا هر مزد کوه ثبت کرده است . وی در حوادثی که از سال

۱ - ظهیر و زاخا و زامباور، ۲۷۴-۲۵۹ ه .

۲ - ظهیر و زاخا و زامباور، ۲۸۶-۲۷۴ ه .

۳ - ظهیر و زامباور ، ۳۴۰ - ۳۲۷ ه . ولی زاخا و ابوالفضل محمد بن شهریار

(۳۱۲-۲۹۸ ه) قید کرده است .

۳۰۷/۹۱۹ تا ۳۱۹/۹۳۱ بوقوع پیوست دخالت داشته‌است. در سال ۳۰۷/۹۱۹ وی با اسپهبد شروین باوند به‌سید حسن بن قاسم تسلیم شد.

۱۲- شمس الملوك محمد بن شهریار بن جمشید (اسفندیار، صفحه ۲۰۶ و ظهیر، صفحات: ۵۴، ۳۱۰، ۳۲۰).

مدت حکومت ۱۲ سال - شمس الملوك در حدود سال ۹۲۲-۹۲۰/۳۱۰-۳۰۸ داعی حسن بن قاسم را که بوی پناهنده شده بود بزنجیر بسته به‌پیش علی بن وهسودان که از طرف خلیفه حکومت ری داشت بفرستاد. وی پسری بنام ابوالفضل داشت.

۱۳- ابوالفضل بن محمد (اسفندیار، صفحه ۲۲۸ و ظهیر، صفحات: ۵۴، ۱۸۰، ۱۹۱، ۳۲۰).

مدت حکومت ۱۴ سال<sup>۱</sup> - چون اسپهبد شهریار بن شروین باوند بکمک لشکری که ابوعلی حسن بویه برای وی تهیه دیده بود تمام طبرستان را متصرف شده بود لهذا ابوالفضل از سیدالطائر بالله ابوالفضل جعفر بر علیه او یاری خواست. لشکر بویه در تمنگا شکست خورد و ابوالفضل آمل را اشغال کرد. چون میان سید و استوندار بهم خورد هر دو به‌محل حکومت خود باز گشتند.

نصرین حسن بن فیروزان ابوالفضل بن محمد را بزندان انداخت و بگفته ابن اسفندیار در حدود سال ۳۸۸/۹۹۸ در زندان درگذشت، اما این تاریخ کاملاً درست نیست. بنظر میرسد سگه‌ای که بسال ۵-۳۴۳/۹۵۴ در آمل زده شده و روی آن اسامی ابوعلی بویه و استوندار دیده میشود بایستی به ابوالفضل بن محمد نسبت داده شود.

۱۴- حسام الدوله زرین کمر بن فرامرزن شهریار (ظهیر، صفحات: ۵۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۳۲۰).

۱- ظهیر وزامباور، ۳۵۴-۳۴۰ ه. همانطوریکه در پاورقی ماقبل اشاره کردیم زاخا و مدت حکومت ابوالفضل محمد بن شهریار را از ۲۹۸ تا ۳۱۲ نوشته است.

مدت حکومت ۳۵ سال<sup>۱</sup> - بعلمت خویشاوندی با بویه‌ها زرین کمر و چهار تن از اعقاب بلا فصل وی با صلح و آرامش در رستم‌دار حکومت کردند .  
پسرانش عبارت بودند از :

۱- باحرب .

۲- حسام‌الدوله<sup>۲</sup> .

۱۵- سیف‌الدوله باحرب بن زرین کمر ( ظهیر ، صفحات: ۵۵ ، ۱۴۶ ،

۱۴۹ ، ۳۲۰ ) .

مدت حکومت ۲۷ سال<sup>۳</sup> .

پسرانش عبارت بودند از :

۱- نصرالدوله شهریار که پدر فخرالدوله نماور و نصیرالدوله است .

۲- سیف‌الدوله .

۳- گرشاسف .

۴- حسام‌الدوله اردشیر .

۵- فخرالدوله .

۱۶- حسام‌الدوله اردشیر بن باحرب ( ظهیر ، صفحات: ۵۵ ، ۱۴۹ ، ۳۲۰ ) .

مدت حکومت ۲۵ سال<sup>۴</sup> .

۱۷- فخرالدوله نماور بن نصیرالدوله شهریار بن باحرب ( ظهیر ، صفحات :

۵۵ ، ۱۴۶ ، ۱۴۹ ، ۳۲۰ ) .

۱- ظهیر وزاخو ، ۳۴۷ - ۳۱۲ هـ . زامباور ۳۸۶-۳۵۴ هـ . بگفته زامباور نوی

اولین فرمانروای تیره دوم پادوسبانیان است .

۲- رك : ظهیر ، صفحه ۱۴۹ .

۳- ظهیر وزاخو سیف‌الدوله نوه زرین کمر ( ۳۷۴ - ۳۴۷ هـ ) ثبت کرده اند .

زامباور ۴۱۳-۳۸۶ .

۴- ظهیر وزاخو ۴۰۹-۳۷۴ هـ . زامباور ۴۳۸-۴۱۳ هـ .

مدت حکومت ۳۲ سال<sup>۱</sup>.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- عزالدوله هزارسف.

۲- فخرالدوله.

۱۸- عزالدوله هزارسف بن نماور (ظهیر، صفحات: ۵۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۳۲۰).

مدت حکومت ۴۰ سال<sup>۲</sup> - وی خواهر کیا بزرگ امید دیلمانی را بعقد ازدواج

خویشتن درآورد.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- شهرنوش.

۲- گودرز

۳- کیکاوس

۴- نصیرالملک که یکی از اطرافیان خیلی نزدیک شاهغازی رستم بود و از

زمان شاه اردشیر باوند بعلمت مهارت در چوگان بازی اشتها یافته بود. وی بسال

۵۵۸/۱۱۶۳ بامر علاءالدوله حسن باوند بدست برادرش کیکاوس بقتل رسید<sup>۳</sup>.

۱۹- شهرنوش بن هزارسف (ظهیر، صفحات: ۱۹، ۲۰، ۵۵، ۵۶،

۳۲۰، ۱۴۹).

مدت حکومت ۱۳ سال<sup>۴</sup> - وی فرمانروائی بزرگ و بلندهمت بود و بسال

۴۹۲/۱۰۹۹ از اسپهبد شاهغازی رستم باوند بر علیه تاج الملوك مرداویج و سلطان عباس که

از طرف سلطان سنجر درری حکومت میکرد جانبداری نمود. وی دختر شاهغازی رستم را

۱- ظهیر و زاخاو، ۴۴۱-۴۰۹ هـ. زامباور، ۴۷۰-۴۳۸ هـ.

۲- ظهیر و زاخاو، ۴۸۱-۴۴۱ هـ. زامباور، ۵۱۰-۴۷۰ هـ.

۳- رك: اسفندیار، صفحه ۲۵۰ و ظهیر، صفحه ۲۴۴.

۴- ظهیر و زاخاو، ۵۲۳-۴۸۱ هـ. زامباور، ۵۲۳-۵۱۰ هـ.



بهمسری گرفت<sup>۱</sup> و دختر مزبور ناحیه واقعه بین پای دشت و سیاهرود را بعنوان  
جهیزیه برایش بیاورد .

پسرانش عبارت بودند از :

۱- هزار سف .

۲- خلیل که در قلعه کجور در گذشت<sup>۲</sup> .

۳- کیکلوس بن هزار سف ( اسفندیار، صفحات: ۱۵۴، ۶۰، ۲۴۸-۲۴۶، ۲۵۰،

و ظهیر، صفحات: ۲۰، ۶۰-۵۷، ۶۲، ۶۳، ۶۵، ۷۲-۷۴، ۶۷، ۷۴، ۷۵، ۱۴۶، ۱۴۹،

۲۳۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۵۲، ۲۵۵، ۳۲۰، ۳۲۱ ) .

مدت حکومت ۳۷ سال<sup>۳</sup> - مادرش خواهر کیا بزرگ امید دیلمانی بود. از

زمان حیات برادرش شهرنوش تامرگ کیا بزرگ امید از طرف شاه‌غازی رستم‌باوند  
بحکومت دیلمستان منصوب بود. کیا بزرگ امید شوهر خواهر اسپهبد بود و ناحیه  
رودبست را بعنوان تیول در تصرف داشت و مأموریت داشت که با حملات خود اسمعیلیه  
را بستوه بیاورد . کیکلوس پس از سه سال حکومت در دیلمستان جانشین برادر شد و  
فرمانروای رستم‌دار گردید .

وی شاه‌غازی رستم را در لشکر کشئی که برای تصرف بسطام و دامغان صورت

گرفته بود یاری نمود ولی بعد بدست‌یاری فخرالدوله گرشاسف که بود جامه میانه‌اش  
با اسپهبد بهم خورده او را رها کرد و نیز قصر اسپهبد را در آمل آتش زد . شاه‌غازی  
رستم پسرش علاءالدوله حسن را بچنگ استون‌دار فرستاد . استون‌دار در این نبرد شکست  
خورد و اسپهبد خود بطرف دیلمستان پیش رفت . استون‌دار مغلوب شده تسلیم گردید .  
چون علاءالدوله حسن جانشین پدرش شاه‌غازی رستم شد سرتاسر منطقه علمیشرود

۱- ظهیر در صفحات ۱۹، ۲۰، ۵۵، ۵۶ دختر یا خواهر نوشته است .

۲- رك : ظهیر، صفحه ۱۴۹ .

۳- ظهیر وزاخاو وزامباور ۵۶۰-۵۲۳ هـ .

تفاهت کوش را به استوندار واگذار کرد. کیکاوس تحمل مرگ پسرش جستان را نداشت بسال ۵ - ۵۶۰/۱۱۶۴ درگذشت. کیکاوس و اعقاب او پیرو عقائد سید ابوالحسین المؤید بالله بودند<sup>۱</sup>. پسرش جستان پدر دو فرزند بنام زرین کمر و اشرف بود<sup>۲</sup>.

۲۱- هزار سف بن شهرنوش بن هزار سف (اسفندیار، صفحه ۲۵۳ - ۲۵۱ و ظهیر، صفحات: ۲۰، ۷۹، ۷۴، ۱۴۹، ۲۵۶، ۳۲۱).

مدت حکومت ۲۶ سال<sup>۳</sup> - در خراسان و عراق در اسب سواری و تیراندازی نظیری برای وی نبود. کیکاوس دائماً با اسمعیلیه در نبرد بود اما هزار سف بر عکس وی با آنان عقد اتحاد بست و بسیاری از قلاع متصرفی خود را با آنان وا گذاشت و خود به باده پرستی و میگساری پرداخت. در سال ۵۹۰/۱۱۹۴ تمامی ناحیه واقعه بین سخستر و ملاطرا به اسمعیلیه وا گذاشت بطوریکه سخستر سرحد غربی رستم دار گردید. اشرف بعلت ستمگاری وی از او متنفر شده از ملک اردشیر باوند خواستند که لشکری برای نبرد با وی بفرستد. هزار سف به اسمعیلیه پناهنده شد و مدتی بعد داعی الی الحق رضابن هادی را که بنام ملک اردشیر در دیلمان حکومت میکرد بقتل رسانید. ملک اردشیر قسم خورد که انتقام این قتل را بگیرد و هزارالدین خورشید بن کیکاوس گوشواره را بحکومت رویان منصوب کرد. ولی هزارالدین هزار سف را زندانی کرده در قلعه ولیج بکشت. پس از قتل هزار سف رویان و دیلمان به پاشاعلی برادرزاده مبارزالدین ارجاسف بن فخرالدوله گرشاسف که بود جامه واگذار گردید. هزار سف با دختر ملک اردشیر باوند نامزد بود و بدون شک ازدواج آنان بوقوع پیوسته است.

۱- رك : اسفندیار، صفحه ۵۴.

۲- ظهیر در صفحه ۷۴ می نویسد که جستان فقط يك پسر داشت.

۳- ظهیر و زاخا، ۵۸۶-۵۶۰ ه. زامباور ۶۰۶-۵۶۰ ه.

۲۲- حسام الدوله زرین کمر بن جستان بن کیکاوس (ظہیر، صفحات: ۸۷،

۱۴۶، ۱۴۹، ۳۲۱).

مدت حکومت ۲۴ سال<sup>۱</sup> - وی زمان مرگ پدر یکسال داشت. پس از مرگ استوندار هزارسرف، رویان و دیلمان از طرف شاه اردشیر پادشاه مازندران ابتدا به پاشاعلی واگذار شد. بتحریر چندتن از بزرگان اهالی، بیستون پسر نماور نامی را بحکومت برگزیدند. بیستون پس از مرگ شهرنوش بن هزارسرف خود را از خانواده پادوسبانیان معرفی کرده بود و مدت کوتاهی نیز از طرف اهالی بحکومت رویان شناخته شده بود. پاشاعلی از طرف اهالی بقتل رسید و چون این خبر به ملک اردشیر رسید آنان را مورد تاخت و تاز قرار داده رستم‌مدار را به زرین کمر که بسن بلوغ رسید، بود تفویض کرد. زرین کمر فرمانروائی مقتدر شد و بسال ۱۴-۱۳۱۳/۶۱۰ بمرد.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- بیستون.

۲- حسام الدوله.

۲۳- شرف الدوله بیستون بن زرین کمر (ظہیر، صفحات: ۷۹، ۸۰، ۱۴۶،

۱۴۹، ۳۲۱).

مدت حکومت ۱۰ سال<sup>۲</sup> - چون هرگز کلاه خود را از سر برنمیداشت بنام کلاه استوندار مشهور بود. وی چندین لشکر کشی به گیلان کرده در کوهستانات لاهیجان مستقر شد و فرمانروایان آن سامان با وی پیمان وفاداری بستند. در سال ۴- ۱۲۲۳/۶۲۰ مازندران و خراسان را بالشکریان خویش تا خوارزم به پیمود و همانسال نیز در گذشت. تاریخ مذکور درست بنظر نمی‌رسد و یقیناً در طول مدت

۱- ظہیر وزاخو ۵۸۶-۶۱۰ ه. زامباور، ۶۱۰-۶۰۶ ه.

۲- ظہیر وزاخو و زامباور، ۶۲۰-۶۱۰ ه.

حکومت وی اشتباهی هست زیرا بگفته ظهیرالدین اردشیر پادشاه مازندران در زمان حکومت بیستون بسال ۶-۶۰۲/۱۲۰۵ در گذشته است .

پسرانش عبارت بودند از :

۱- نماور .

۲- شرفالدوله .

۳- فخرالدوله نماوربن بیستون ( ظهیر ، صفحات ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۱۴۶ ،

۱۴۸ ، ۳۲۱ ) .

مدت حکومت ۲۰ سال<sup>۱</sup> - موقعیکه وی از آرامش اوضاع بهره‌مند بود دچار حمله اسمعیلیه گردیده خود را بدربار جلال‌الدین منگبرتی (۱۲۳۱-۱۲۲۸/۱۲۲۰-۶۱۷) رساند و مدتی در آنجا بسر برد . در زمان حکومت جلال‌الدین مازندران بسال ۹-۶۴۶/۱۲۴۸ سقوط کرده بود<sup>۲</sup> . استوندار پس از مراجعت مدتی در رویان حکومت کرد و قدرت خود را در گیلان و دیلمان بسط داد و بگفته ظهیرالدین بسال ۸-۶۶۶/۱۲۶۷ در گذشت ولی تاریخ‌مذکور را بایستی ۶۲۶/۱۲۲۹ یا ۹-۶۳۶/۱۲۳۸ خواند . یکی از پسران پادشاه خوارزم به استوندار پناهنده شده بود . وی خواهر خود را نیز به‌مراه داشت ، استوندار با این دختر ازدواج کرد و از وی پسری بنام اسکندر متولد شد .

پسرانش عبارت بودند از :

۱- فخرالدوله شهر آکیم .

۲- حسام‌الدوله اردشیر .

۳- اسکندر که حاکم ناتل گردید .

۴- شهرنوش .

۱- ظهیر وزاخوا ۶۴۰-۶۲۰ ه .

۲- این تاریخ اشتباه است و احتمال می‌رود که ۶۲۶ ه . درست باشد .

۲۵- حسام‌الدوله اردشیر بن نماور (ظہیر، صفحات: ۸۱، ۸۳، ۱۴۸).  
وی پسر ارشد نماور بود و بجانشینی پدر در گیلان و برادر کوچکترش در  
ناتل و نواحی مجاور آن حکومت کرد.

اردشیر بن نماور بسال ۷ - ۶۰۳/۱۲۰۶ در گذشت. شاید ۶ - ۶۳۳/۱۲۳۵  
درست تر باشد.

ظہیرالدین مینویسد که در مسجد کدیر واقعه در رویان که امروز بنام کویر  
مشهور است بچشم خود دیده که اسم اسکندر بن نماور روی منبر حک شده بود.

۲۶- فخرالدوله شهرآکیم بن نماور (اسفندیار، صفحات، ۲۵۹، ۲۶۱ و  
ظہیر، صفحات: ۲۰، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۱۱۷، ۱۴۶، ۱۴۸، ۲۶۵، ۳۲۱).  
مدت حکومت ۳۱ سال - وی بجانشینی برادر در رستم‌دار حکومت کرد.

در حدود سال ۳-۱۲۴۲/۶۴۰ فرمانروایان گیلان، دیلمان را از دست او گرفتند و نمک آورد  
مرز جدید رستم‌دار گردید. بدستور هلاکو با شمس الملوک محمد باوند برای  
تصرف گردکوه قلعه اسمعیلیه همکاری کرد. پس از آنکه هر دو از محاصره قلعه خسته  
شدند بمحل حکومت خود باز گشتند. منکوقاآن برای تنبیه آنان امیر غازان را  
بسوی آنان فرستاد که مازندران را متصرف شود. استوندار بامیر غازان تسلیم شد  
و بوی گفت که من خود به تنهایی در این کار مقصر بوده‌ام. وی و شمس الملوک هر دو  
در حکومت خودشان باقی ماندند. در سال ۵-۶۶۳/۱۲۶۴ شمس الملوک بدر بار مغول  
رفت و در آنجا زندانی گردید و امیر قتلغ‌شاه به مازندران و رویان فرستاده شد.  
شهرآکیم نیز بدر بار مغول احضار گردید. چون از رفتن بدانجا امتناع ورزید لهذا  
متصرفانش بدست لشکر مغول خسارات زیادی دید. بالاخره به قانع تسلیم شد و بسال  
۳-۶۷۱/۱۲۷۲ در گذشت.

۱- ظہیر و زامباور ۶۷۱-۶۳۳ ه. زاخا ۶۷۱-۶۳۵ ه. زاخا اضافه می‌کنند که  
منکوقاآن در سال یازدهم حکومت شهرآکیم یعنی بسال ۶۴۶ ه. بسطانت رسید.

فرزندانش عبارت بودند از:

- ۱- فخرالدوله شاه‌غازی نماور .
  - ۲- کیخسرو .
  - ۳- ارگاش که پسر بی‌نام زنگی‌شاه داشت .
  - ۴- دیوبند .
  - ۵- زرین‌کمر .
  - ۶- شاه‌نشا .
  - ۷- نصرالدوله شهریار .
  - ۸- هزارسف .
  - ۹- دختری که نامزد شمس‌الملوک اردشیر باوند بود<sup>۱</sup>.
- ۲۷- فخرالدوله نماور بن شهرآکیم (ظهیر، صفحات: ۹۱، ۱۴۸، ۳۲۱).  
مدت حکومت ۳۰ سال<sup>۲</sup> - وی بشاه‌غازی مشهور بود و یکی از بهترین فرمانروایان رستم‌دار محسوب می‌شود و معاصر تاج‌الدوله یزدگرد بن شهریار باوند بود و بسال ۱-۲/۷۰۱/۱۳۰۱ وفات یافت . وی پسر بی‌نام اسکندر داشت .
- ۲۸- شاه‌کیخسرو بن شهرآکیم (اسفندیار، صفحه ۲۶۲ و ظهیر، صفحات: ۹۳، ۹۵، ۱۱۷، ۱۴۶، ۱۴۸، ۳۲۱) .
- مدت حکومت ۱۱ سال<sup>۳</sup> - وی برادرش ارگاش را بوزارت انتخاب کرد و خواهر نصیرالدوله شهریار بن یزدگرد پادشاه‌مازندران را بعقد ازدواج خود در آورده بود. گویند وی در حدود صد فرزند داشته است و بسال ۱۲-۱۳۱۱/۷۱۱ در گذشت .
- پسرانش عبارت بودند از :

- ۱- رك : ظهیر، صفحه ۸۶ .
- ۲- ظهیر وزاخاو وزامباور ۷۰۱-۶۷۱ ه .
- ۳- ظهیر وزاخاو ۷۱۲-۷۰۱ ه . زامباور ۷۱۲-۷۰۱ ه .

- ۱- تاج الدوله زیار .
  - ۲- شمس الملوك محمّد .
  - ۳- نصیر الدوله شهریار .
  - ۴- عز الدوله<sup>۱</sup> .
- ۲۹- شمس الملوك محمّد بن کیخسرو (ظہیر، صفحات: ۹۴، ۹۵، ۱۴۸، ۳۱۱).  
مدت حکومت ۵ سال<sup>۲</sup> - وی فرمانروائی متقی و عادل بود و در زمان او  
مساجد و خانقاههای متعددی ساخته شد . رکن الدوله شاه کیخسرو باوند، مازندران  
را بدو وا گذاشت . وی بسال ۸-۱۳۱۷/۷۱۷ در گذشت .

پسرانش عبارت بودند از :

- ۱- عز الدوله هزارسف .
  - ۲- نصیر الدوله شهریار .
- ۳۰- نصیر الدوله شهریار بن شاه کیخسرو ( اسفندیار، صفحه ۲۶۲ و ظہیر،  
صفحات: ۹۸-۹۵، ۳۲۱ ) .
- مدت حکومت ۸ سال<sup>۳</sup> - در زمان حکومت وی کلار رستاق به اوج عظمت و  
ترقی رسید . وی دیلمان را تا تنه‌یجان متصرف شد و رکن الدوله شاه کیخسرو  
باوند را که در مقابل تاخت و تاز مغولها مقاومت می کرد یاری نمود . این تاخت و  
تازها تحت فرامین امیر مؤمن و پسرش قتلغ شاه که از فرماندهان اولجایتو بودند  
صورت میگرفت . در هشتمین سال حکومت میانقوی با برادرش تاج الدوله زیار بهم  
خورد و در سال ۱۳۲۵/۲۲۵ بدست اسکندر پسر تاج الدوله بقتل رسید .

۱- رك : ظہیر، صفحه ۹۸

۲- ظہیر وزاخاو وزامباور ۷۱۷-۷۱۲ هـ .

۳- ظہیر وزاخاو وزامباور ۷۱۷-۷۲۵ هـ .

۴۱- تاج الدوله زیار بن شاه کیخسرو ( ظهیر ، صفحات : ۹۷، ۱۰۰، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۴۸، ۳۲۱ ) .

مدت حکومت ۱۰ سال<sup>۱</sup> - در زمان حیات برادر نواحی کلار رستاق و ناتل بدو وا گذار شده بود و چون خود بفرمانروائی رسید آنها را به برادر بزرگترش اسکندر وا گذاشت . وی برادر خود عزالدوله را که بکمک لشکریان مغول بر علیه وی قیام کرده بود مغلوب نمود. تاج الدوله بسال ۴- ۷۳۴/۱۳۳۳ در کویر در گذشت .  
پسرانش عبارت بودند از :

۱- شرف الدوله گشتم که چند ماهی پیش از وفات پدر در گذشت<sup>۲</sup> و دو پسر داشت :

A - بیستون که بسال ۶- ۷۸۷/۱۳۸۵ در طالقان بدست اسمعیلیه بقتل رسید<sup>۳</sup>  
و فرزندان نامبرده در زیر از اوست :  
الف- کیومرث .

ب- تاج الدوله که سه پسر داشت : شاه غازی و پشنگ و نودار که در سال ۹- ۸۳۲/۱۴۲۸ در شلیکسر بقتل رسید<sup>۴</sup>.

ت- شاه غازی .

ث- پشنگ .

ج- نودار .

ح- اسکندر که شش پسر داشت: گشتم و فخر الدوله که در سال ۷- ۸۷۱/۱۴۶۶ در ناتل<sup>۵</sup> سکونت داشت و افریدون و جهانگیر و بیستون و بهرام . پسران مذکور در

۱- ظهیر وزاخاو و زامباور ۷۳۴-۷۲۵ ه .

۲- رك: ظهیر، صفحات ۱۰۰، ۱۱۰، ۱۴۷ .

۳- رك: ظهیر، صفحه ۱۴۷ .

۴- رك: ظهیر، صفحه ۱۴۷ و ظهیر گیلانی، صفحه ۱۴۷ .

۵- رك: ظهیر گیلانی، صفحه ۳۱۵ .



سال ۶-۱۴۶۵/۸۷۰ درقریه کُمر ساکن بودند<sup>۱</sup>.

د- گیشتام .

ذ- فخرالدوله .

ر- افریدون .

ز- جهانگیر .

س- بیستون .

ش- بهرام .

ص- دختری که فرماندهان تیمور، وی را به محافظت قلعه نور دادند. در سیال

۵-۴۰۷/۸۰۷ کیومرث بن بیستون در مراجعت خود از شیراز هردو را یکشیت<sup>۱</sup>.

B- اسکندر که سیال ۵-۷۷۶/۱۳۷۴ در گذشت و هفت پسر داشت<sup>۲</sup>.

الف- زرین کهر .

ب- هزارسف .

ت- بهمن .

ث- یزدگرد .

ج- فریدون .

ح- نودار .

خ- هوشنگ .

۲- جلالالدوله اسکندر .

۳- فخرالدوله شاه غازی که قبل از فرمانروائی رسیدن حاکم

ناتلارستاق بود .

۱- رك: ظهير كيلاني صفحه ۲۷۳ ، ۲۷۴ .

۲- رك: ظهير، صفحه ۱۲۴ .

۳- رك: ظهير، صفحه ۱۴۷ .

۴- سعدالدوله طوس .

۳۳- جلال الدوله اسکندربین زیار ( ظهیر، صفحات: ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۶،

۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۰-۱۱۸، ۱۲۹، ۱۴۷، ۳۲۱ ) .

مدت حکومت ۲۷ سال<sup>۱</sup> - وی در رویان ورستمدار یعنی هم در ناحیه جلگه‌ای وهم کوهستانی فرمانروائی کرد. در ۲۱ ذیحجه ۷۴۶ برابر ۱۴ آوریل ۱۳۴۶ شروع به تجدید عمارت قلعه و شهر کجور که در حملات مغولها بکلی خراب شده بودند کرد. در سال ۷۳۶/۱۳۳۵ که بامر گ سلطان ابوسعید حکومت مغولها در ایران سقوط کرد جلال الدوله تمامی کوهستانات قزوین تاسمنان وهم چنین شهرهای ری وقزوین و کویر و فیروز آباد را ضمیمه متصرفات خویشان کرد. امیر وجیه الدین مسعود سردار که گرگان و استرآباد را متصرف بود بسوی آمل پیش رفت ولی دستگیر شد و در روزهای اول ذیحجه ۴۷۳/ مه ۱۳۴۳ بدست جلال الدوله بقتل رسید . جلال الدوله در رمضان ۷۵۷/ سپتامبر ۱۳۵۶ امیر محمد بن سلطان شاه لاودی را نیز مغلوب کرد و سپس بکشت لاودی در آخور رستم مستقر شده بود و از آنجا غارت و کشتارهای زیادی را در ساوجبلاق مرتکب میشد. جلال الدوله فخرالدوله حسن باوندرا بر علیه کباهای غولاب یاری کرد و پس از مرگ وی فرزنداناش را جمع آوری کرده در رستمدار برای آنان عوایدی تعیین کرد . بالاخره در سال ۶۰ - ۷۶۱/۱۳۵۹ یا ۷۰-۷۷۱/۱۳۶۹ در اثر جراحات وارده در يك مجلس باده خواری در گذشت .

پسرانش عبارت بودند از :

۱- ارگاش .

۲- شرف الدوله .

۳- مظفر .

۴- فریبز که بگفته زامباور جد بزرگ اویس بن شهر آکیم بن حسین بن فریبز می باشد .

۵- اشرف خان .

۶- اسکندر .

۳۳- فخرالدوله شاه غازی بن زیار (ظهیر . صفحات: ۱۲۱، ۱۴۷، ۱۴۸، ۳۲۱).

مدت حکومت ۲۵ سال<sup>۱</sup> - وی جانشین برادر گردید و نبردی را که برادرش بنفع پسران فخرالدوله حسن باوند بر علیه گیاهای غولاب میکرد ادامه داد . در زمان وی سادات مرعی درمازندران قدرت را بدست گرفتند . مولانا اولیاء الله که از علمای آمل بود کتاب تاریخ طبرستان خود را برای همین فخرالدوله شاه غازی نوشت<sup>۲</sup> . فخرالدوله بسال ۹-۱۳۷۸/۷۸۰ یا ۷۸۶/۱۳۸۴ در گذشت .

ملك شهر آکیم که نواده جلال الدوله اسکندر و فرمانده سپاهیان ملك کاوس بود بسال ۵-۱۴۶۴/۳۶۹ توسط ملك اسکندر بن کیومرث دستگیر شده بقتل رسید<sup>۳</sup> وی پسری بنام اویس داشت .

ملك حسین از نیمروزادگان جلال الدوله اسکندر و برادرش ایرج از ملك کاوس وحشتماک شده به تنکابن پناهنده شدند . در سال ۹-۱۴۲۸/۸۳۲ امیر سید محمد بن بیابیشی (ناحیه شرقی گیلان بیابیش خوانده میشود) بهرستمدار لشکر کشید و ملك حسین را بحکومت کلاررستاق وغالوش منصوب کرد . ولی ملك حسین نتوانست در این دونا حیه بماند و با برادرانش ایرج وطوس به گیلان برگشت . طوس در سال ۴-۱۴۶۳/۸۶۸ زنده بود<sup>۴</sup> .

۱- ظهیر وزاخاو وزامباور ۷۸۱-۷۶۱ ه .

۲- تاریخ مذکور بدست ما نرسیده ولی ظهیرالدین از آن استفاده کرده است ومنبع آن تاریخ ابن اسفندیار بوده است .

۳- رك: ظهیر، صفحه ۱۳۹، ۱۴۱ و ظهیر گیلانی، صفحات: ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳ .

۴- رك: ظهیر، صفحات: ۱۲۴، ۱۳۰، ۵۱۶، و ظهیر، گیلانی صفحات: ۱۵۲، ۳۰۵ .

۳۴- عضدالدوله قباد بن شاه‌غازی (ظہیر، صفحات: ۱۲۱، ۱۴۸، ۳۲۱، ۳۹۹، ۳۹۸).

مدت حکومت ۲۱ سال<sup>۱</sup>۔ قباد جانشین پدر شد و در نبرد لکتور بدست سید فخر الدین بن قوام الدین مرعشی که بعد حاکم رستم‌دار شد بقتل رسید. هم‌چنین ظہیر الدین می‌نویسد که وی بسال ۵-۸۰۷/۱۴۰۴ در گذشت.

پسرانش عبارت بودند از:

- ۱- تاج‌الدوله زیار.
- ۲- فخرالدوله حسن.
- ۳- نصیرالدوله شهریار.
- ۴- شمس‌الملوک محمد.
- ۵- جمشید.

۳۵- سعدالدوله طوس بن زیار (ظہیر، صفحات: ۱۰۰، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۵۲ و ظہیر کیلانی، صفحه ۱۵۱).

ظہیر الدین طول مدت حکومت وی را ثبت نکرده است<sup>۲</sup>. چون خبر یورش تیمور باسترآباد و ساری که در ۲-۷۹۴/۱۳۹۱ صورت گرفت بلند شد سادات مرعشی رستم‌دار را به سعدالدوله طوس واگذار کردند. سعدالدوله توسط برادر زاده‌اش اسکندر بن گشنام در سال ۹۴-۷۹۶/۱۳۹۳ کشته شد. باز تاریخ ظہیر الدین درست نیست زیرا ظہیر الدین قبلاً<sup>۳</sup> گفت که طوس جانشین برادر زاده‌اش عضدالدوله قباد که در ۵-۸۰۷/۱۴۰۴ مرده است گردید.

پسرانش عبارت بودند از:

- ۱- ظہیر وزاخو و زامباور ۸۰۱-۷۸۰ هـ.
- ۲- زامباور، ۸۰۷-۸۰۱ هـ. زاخو و سالیهای حکومت وی را ثبت نکرده است.

نودار بن جهانگیر که از نبیره زادگان طوس بود و مادرش دختر ملک کیومرث می باشد. ملک کیومرث پس از تولد نودار جهانگیر را بکشت وزن بیوه او را به عقد ازدواج سید محمد بن سید مرتضی مرعشی در آورد. در ۸-۸۳۱/۱۴۲۷ نودار بحکومت ناتل رستاق و کچه رستاق منصوب شد<sup>۱</sup>.

۳۶- کیومرث بن بیستون بن گشتم بن زیار (ظهر، صفحات: ۶، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۴۰۶، ۴۴۲، ۴۶۰، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۷، ۴۹۹ - ۴۹۶، ۵۰۳، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۲۱ - ۵۱۹، ۵۵۷، ۵۵۹، وظهر گیلانی، صفحات: ۱۴۷-۱۴۴، ۱۵۵، ۲۳۶، ۲۶۹-۲۶۷ و شمس الدین صفحه ۴۰۱ و اسکندر، صفحات: ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۷۵).

مدت حکومت ۵۰ سال<sup>۲</sup> - با اینکه تیمور رویان را ضمیمه متصرفات خود کرده بود باز قلعه نور تازمان قیام اسکندر شاهی غولابی در دست کیومرث بود. وی با اسکندر شاهی میانه خوبی نداشت. امیر سلیمان شاه بن داود از امرای تیمور که از طرف تیمور بجنگ اسکندر شاهی فرستاده شده بود بکیومرث اطمینان داد که به تیمور تسلیم شود، چون کیومرث تسلیم شد ویرا بزنجیر بسته به پیش اسکندر شاهی فرستاد و منظورش این بود که اسکندر شاهی را قانع کند که وی طرف توجه تیمور است. اما اسکندر شاهی فریب این کار را نخورده کیومرث را آزاد کرد. وی نیز بشیراز فرار و تا مرگ تیمور در آنجا بماند و سپس از آنجا برگشته بزودی رویان و رستم دار را متصرف شد و مذهب شیعه را که خود در شیراز پذیرفته بود بزور درین مردم شایع کرد.

پس از آنکه کیومرث قلعه طبرق و شهر بسطام و سمنان را خراب کرد و امیر الیاس خواجهر را که از فرماندهان تیموریان بود مورد حمله قرارداد و لشکری را که

۱- رک: ظهر گیلانی، صفحه ۱۵۱.

۲- بگفته ظهر و زاخا وی در ۸۰۷ هـ. در گذشت. زاماور ۸۵۷-۸۰۷ هـ.

شاهرخ تیموری تحت فرماندهی عبدالعلی بکاول بدر بندشمیران بچنگ وی فرستاده بود شکست داد، به شاهرخ تسلیم شد. وی با سادات مازندران و گیلان نیز به نبرد پرداخت ولی مجبور شد که به رویان عقب نشینی کند. در سال ۸۱۱/۱۴۲۷ امیره؟ سید محمد لاهیجانی، ملک حسین را که از اعیان جلال الدوله اسکندر بود بحکومت کلار رستاق و چالوس و ملک نودار بن جهانگیر را بحکومت ناتل رستاق و کچه رستاق منصوب کرد. بموجب فرمانی که کیومرث از شاهرخ گرفت متصرفاتش دوباره بوی مسترد گردید. وی اکثر امامزاده‌های رستم‌دار را تعمیر کرد و قبۀ زیبائی روی مزارهای امامزاده طاهر و محمد در قریۀ هزار خال درست کرد و در ماه رجب ۸۵۷/ ژوئیه - اوت ۱۴۵۳ در راه نردبان یالو در گذشت و بموجب وصیت خود در امامزاده هزار خال مدفون شد.

فرزندانش عبارت بودند از:

۱- اویس. پدرش کلار رستاق و چالوسه رستاق را بدو واگذار کرد. وی قبل از پدر در گذشت و از خانواده سادات ملاطی گیلان<sup>۱</sup> ازدواج کرده بود و بوسیله همین ازدواج با آنها متحد شده بود.  
پسرانش عبارت بودند از:

A - بیستون که در سال ۴- ۸۶۸/۱۴۶۳ در کلار رستاق و چالوس حکومت داشت<sup>۲</sup> و دو پسر داشت:

الف: فریدون که پسر ارشد بود و در سال ۴- ۸۶۸/۱۴۶۳ نامی از وی به میان می‌آید<sup>۳</sup>.

ب- شاه‌غازی که از سال ۸۹۲ تا ۸۹۹/۱۴۹۴-۱۴۸۷ حکومت کلار دشت را بدست داشت.

۱- رك: ظهير، صفحات: ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۷.

۲- رك: ظهير، صفحات: ۱۳۹، ۱۴۱، ۳۰۰.

۳- رك: ظهير گیلانی، صفحه ۳۰۴.

میرزا علی حاکم لاهیجان ویرا بزندان انداخت و ملک اسکندر نامی را بجای وی بحکومت گماشت<sup>۱</sup>.

B - گشتم که در سال ۶-۱۴۷۵/۸۸۰ زنده بود<sup>۲</sup>.

C - کیومرث که در سال ۴-۱۴۶۳/۸۶۸ نام وی بمیان می آید<sup>۳</sup>.

D - حسین که در سال ۹۴-۱۴۹۳/۸۹۹ زنده بود<sup>۴</sup>.

۲ - کاوس .

۳ - اشرف<sup>۵</sup> که پسری بنام جلال الدوله داشت. در رمضان ۸۷۷/فوریه ۱۴۷۳

بامر جلال الدوله ضریحی از تخته ساخته شد و آنرا روی قبر ابوالقاسم پسر امام موسی کاظم قرار دادند<sup>۶</sup>.

۴ - کیخسرو که قبل از پدر در گذشت<sup>۷</sup>.

۵ - بهمن<sup>۸</sup>. کیومرث حکومت طالقان را به بهمن داده بود ولی جهانشاه

میرزای تیموری آنرا از وی بگرفت و بامرای لاهیجان (گیلان) واگذار کرد .

بهمن خود را بدربار جهانشاه میرزا رساند وشکایت کرد ولی بیکی از جزائر خلیج

فارس فرستاده شد و در آنجا زندانی گردید .

۱- رك: ظهير گیلانی صفحات: ۳۴۹ و ۳۵۴-۳۵۲ و شمس الدین، صفحات: ۷۲ و ۷۵.

بنظر میرسد که این شاه غازی همان ملك شاه غازی لواسانی است که مثل برادرش کیخسرو، نام وی بسال ۹۹-۱۴۹۸/۹۰۴ بمیان می آید. (رك. شمس الدین صفحه ۹۴-۹۱) .

۲- رك: ظهير گیلانی، صفحه ۳۴۹ .

۳- رك: ظهير گیلانی، صفحه ۳۰۱ .

۴- رك: شمس الدین، صفحه ۷۲ .

۵- رك: ظهير، صفحات: ۱۳۰ و ۱۴۷ .

۶- رك:

Gaston Wiet, L' Exposition Persan de 1931, Le Caire,

1933, Page 48-50

۷- رك: ظهير، صفحات: ۱۳۰ و ۱۴۷ .

۸- رك: ظهير، صفحات: ۱۳۰ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ظهير گیلانی، صفحات: ۲۶۸ .

وی پسری بنام هوشنگ داشت که در سال ۷-۱۴۶۶/۹۷۱ با اقوام خود بنای بدرفتاری گذاشت<sup>۱</sup>.

۶- ایرج<sup>۲</sup>.

۷- مظفر.

۸- اسکندر.

۹- دختری که با سیدمحمد بن سیدمرتضی ازدواج کرد و سید کمال الدین ثمره این ازدواج بود<sup>۳</sup>.

۳۷- ملک مظفر بن کیومرث. (ظہیر، صفحات: ۱۳۳-۱۳۰، ۱۴۷ و ظہیر گیلانی، صفحات: ۱۵۵، ۳۴۷، ۳۴۹).

ملک مظفر جانشین پدرش کیومرث شد، چون از سائر پسران کوچکتر بود رعایا ویرا ترک گفتند. وی در سال ۷۶-۱۴۷۵/۸۸۰ زنده بود.  
پسرانش عبارت بودند از:

۱- کیومرث که در سال ۳-۱۴۶۲/۸۶۷ از وی نام برده شده است<sup>۴</sup>.

۲- محتملاً طوس که برادرزاده اسکندر بن کیومرث بوده است<sup>۵</sup>.

### ب- بنی کاوش یافرمانروایان نور

۳۸- کاوش بن کیومرث. (ظہیر، صفحات: ۱۳۹ - ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۴۷).

۳۲۱، ۴۷۶، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۳۵ و ظہیر گیلانی، صفحات: ۱۴۷، ۲۷۶ - ۲۶۷.

۱- رک: ظہیر گیلانی، صفحه ۳۱۶.

۲- رک: ظہیر، صفحات: ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۴۷.

۳- رک: ظہیر، صفحات: ۴۷۶، ۵۰۵، ۵۴۹.

۴- رک: ظہیر گیلانی، صفحه ۳۰۲.

۵- رک: ظہیر گیلانی، صفحه ۳۰۴.



۲۸۸ - ۲۸۶، ۲۹۷ - ۲۹۹، ۳۰۱ - ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۰۹، ۳۱۴ - ۳۱۱ و اسکندر صفحه ۳۴۱).

پس از مرگ ملک کیومرث، کاوس که ارشد اولاد بازمانده وی بود حکومت را بدست آورد. چون مردی خشن بود رعایایش از وی متنفر شده بسوی برادرش اسکندر که اخلاقی ملایم داشت دست اطاعت دراز کردند. پس از منازعات و نبردهائی عظیم و بامداخله فرمانروایان مازندران و گیلان (بیابیشی‌ها) دوبرادر در تقسیم متصرفات خود موافقت کردند. نور و ناتله رستاق واقعه در جلگه رستم‌دار و قلعه لواسان در دست کاوس و قلعه کجور و قلعه کهرود و لاریجان و پشتکوه و لاری قصران و قلعه مسکین و نواحی مجاور ساوجبلاق در دست اسکندر باقی ماند. بدین نحو این دوبرادر مؤسس سلسله‌های بنی کاوس یا فرمانروایان نور و بنی اسکندر یا فرمانروایان کجور شدند. کاوس در ۱۴ شوال ۱۹/۸۷۱ هـ ۱۴۶۷ در گذشت. وی یکی از دختران سید قوام‌الدین آملی را بزنی گرفته بود.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- جهانگیر.

۲- اسکندر.

۳- کیخسرو که بسال ۸۷۱/۱۴۶۷ زنده بود<sup>۱</sup>.

۴- شاهرخ که در ۲۷ ذی حجه ۳۱/۸۷۱ ژوئیه ۱۴۶۷ بقتل رسید<sup>۲</sup>.

۳۹- جهانگیر بن کاوس (ظهیر، صفحات: ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۵۳۵، ۵۳۶ و

ظهیر گیلانی، صفحات: ۲۷۳، ۳۱۴، ۳۴۷، ۴۳۸، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۲، ۴۵۴ و

شمس‌الدین، صفحات: ۱۴، ۴۶، ۶۵، ۷۴، ۷۲، ۸۱، ۷۸، ۸۷-۸۳، ۲۷۲، ۹۰.

۳۱۸ و تستری).

۱- رک: ظهیر گیلانی، صفحات: ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۱۶.

۲- ظهیر، صفحه ۱۴۳ و ظهیر گیلانی، صفحات: ۴۰۷، ۳۱۲، ۳۱۶-۳۱۴.

جهانگیر پسر ارشد کاوس مدّتی در مقابل عمویش اسکندر از خود دفاع کرد تا اینکه کار کیا سلطان محمد لاهیجانی مداخله کرد و آنها را آشتی داد. ملک اسکندر کجور و نواحی مجاور آن کرود و لاریجان و پشتکوه، و لار قصران و قلعه مُسکین و ساوجبلاق و برادرش جهانگیر نور و نواحی مجاور آن ناتله رستاق و قلعه لواسان را در دست داشتند. بگفته ظهیر الدین بر فراز هر صخره و برستیخ هر کوهی قلعه‌ای یافت می‌شد که بوسیله عموزادگان این دو فرمانروا اشغال شده بود. این عموزادگان یار و ابط دوستانه باهم دیدگر داشته و یا اینکه کاملاً منفرد زندگی میکردند. میرزا علی والی بیابیش (گیلان) چهار بار بر علیه جهانگیر لشکر کشی کرد. عاقبت جهانگیر پسرش کاوس را برای تقاضای صلح پیش میرزا علی نفرستاد. جهانگیر سال ۹۹-۱۰۴/۱۴۹۸ در گذشت.

پسرانش عبارت بودند از :

۱- کاوس .

۲- بیستون<sup>۱</sup> .

۳- ایرج<sup>۲</sup> .

۴- کیومرث که بعّت عدم تسلیم قلعه نور به بیستون بن جهانگیر بسال

۹۹-۱۰۴/۱۴۹۸ بوسیله وی بقتل رسید<sup>۳</sup> .

۴۰- کاوس بن جهانگیر (شمس الدین. صفحات: ۴۵، ۴۶، ۸۳، ۸۶، ۸۷،

۹۰-۹۳، ۲۷۲ و تستری) .

۴۰- کاوس که پسر ارشد و جانشین پدر بود از میرزا علی والی بیابیش (گیلان)

بر علیه برادرش بیستون یاری خواست. ولی مدّتی بعد بیستون کاوس را بقتل رسانید .

۱- رك : شمس الدین، صفحه ۸۱ .

۲- رك : شمس الدین، صفحه ۸۰ .

۲- رك : شمس الدین، صفحه ۹۱ . زامباور ملک بایندر خان بن شیخ فضل بن کامران بن

امیر حمزه بن محمد بن کیومرث ثبت کرده است .

۴۱- بیستون بن جهانگیر ( شمس الدین، صفحات: ۴۷، ۸۳-۸۱، ۹۲-۹۰، ۹۶-۹۴، ۲۷۴-۲۷۲، ۲۷۹، ۲۹۱، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۱۸-۳۱۴، ۳۵۱، ۳۵۲ ) .  
 بیستون تلاش کرد که تمام رستم‌دار را تحت اطاعت خویشتن درآورد و بسال ۵-۹۱۰/۱۵۰۴ سراسر کجور را جز قاعه متصرف شد. وی در ۲۶ صفر ۹۱۳ برابر ۷ ژوئیه ۱۵۰۷ بدست زنی محسنه نام بقتل رسید. بیستون زن مذکور را برای ازدواج از دست شوهرش گرفته بود.  
 پسرانش عبارت بودند از:

۱- بهمن .

۲- گشتم که بسال ۱۶-۹۲۱/۱۵۱۵ زنده بود.

۴۲- بهمن بن بیستون ( شمس الدین، صفحات: ۳۱۸، ۳۵۵-۳۵۱، ۳۵۸، ۴۰۱-۳۹۸ واسکندر صفحه ۴۰۲ و تستری ) .

گویند وی برخلاف احکام قرآن رفتار میکرد و مورخین آن عصر می نویسند که وی بازن بیوه پدر خود ازدواج کرد و از وی صاحب دو پسر شد. قریب به چهل نفر از افراد خانواده خود را بکشت و بسال ۹۵۷/۱۵۵۰ در گذشت. بهمن یکی از خواهران سید عبدالکریم بن سید محمد مرعی و هم چنین یکی از خواهران سلطان احمد بن سلطان حسن بیابیشی (گیلان) را بعقد ازدواج خود در آورده بود. وی پسری بنام کیومرث داشت.

۴۳- کیومرث بن بهمن (تستری) .

وی جانشین پدر خود شد و بسال ۷۵-۹۸۲/۱۵۷۴ یعنی هنگامی که قاضی نورالله تستری کتاب مجالس المؤمنین را می نوشت زنده بود.  
 وی پسری داشت عزیز نام.

۴۳- الف - اویس بن گشتم بن بیستون (اسکندر، صفحه ۲۶۷ و تستری) .

۱- شمس الدین، صفحه ۴۰۰ .

وی بسال ۷۵-۹۸۲/۱۵۷۴ قسمتی از ناحیه نور را در تصرف داشت .

۴۴- عزیز بن کیومرث (اسکندر، صفحات: ۳۳۱، ۳۴۱، ۳۴۵) .

وی حاکم نور بود و بسال ۲-۹۸۹/۱۵۸۱ یعنی هنگام جلوس شاه عباس اول صفوی وفات یافته بود. و پسری بنام جهانگیر داشت .

۴۵- جهانگیر بن عزیز (اسکندر، صفحات: ۳۳۱، ۳۴۵) .

بسال ۹۵-۱۰۰۳/۱۵۹۴ حاکم نور بود و در همین سال مجبور شد متصرفات خود را بشاه ایران واگذارده در ساوه منزوی گردد . وی در همین شهر در گذشت .  
ملک سلطان حسن لواسانی (اسکندر، صفحات: ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۷) .

وی بوسیله ملک بهمن بن کیومرث بقتل رسید. بسال ۹۸-۱۰۰۶/۱۵۹۷ شاه عباس اول صفوی ملک بهمن و خانواده اش را به ملک سلطان حسین لواسانی تسلیم کرد تا آنان را بقصاص برادرش ملک سلطان حسن بکشد .

### ت = بنی اسکندر یا فرمانروایان گجور

۴۸- جلال الدین اسکندر بن کیومرث (ظہیر، صفحات: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۳۰، ۱۴۴-۱۳۹، ۱۴۷، ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۵۳۳، ۵۳۶ و ظہیر گیلانی، صفحات: ۲۶۷، ۲۷۴-۲۶۹، ۲۸۸-۲۸۶، ۲۹۴-۲۹۲، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۰۷-۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۱۳-۳۱۶، ۳۱۸، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۹ و اسکندر صفحه ۳۴۱ و عبدالرزاق، صفحه ۲۲۲) .

اسکندر پس از منازعات متمادی با برادرش متصرفات پدر را با وی تقسیم کرد و گجور و کهرود ولاریجان و پشتکوه ولار قصران و نواحی مجاور ساوجبلاق را متصرف شد. وی ۲۴ سال حکومت کرد و بسال ۷۷-۸۸۱/۱۴۷۶ در گذشت و پسری بنام تاج الدوله داشت .

۳۹- تاج الدوله بن اسکندر (ظہیر گیلانی، صفحات: ۳۰۷، ۴۴۷، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۹۲ و شمس الدین صفحہ ۱۴).

وی جانشین پدر شد و از سال ۸۸۱ تا ۸۹۷/ از ۷۷-۱۴۷۶ تا ۹۲-۱۴۹۱ فرمانروائی کرد.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- اشرف.

۲- سلطان بوسعید که بسال ۸-۱۵۰۷/۹۱۳ زنده بود.

۴۰- اشرف بن تاج الدوله (شمس الدین، صفحات: ۴۵، ۴۶، ۶۵، ۴۷، ۸۲، ۸۷، ۹۱، ۹۴، ۲۳۵، ۳۱۶-۳۱۴، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۵۳، ۳۹۳).

وی از سال ۸۹۷ تا ۹۱۳/۹۲-۱۴۹۱ تا ۸-۱۵۰۷ فرمانروائی کرد. پس از آنکه ملک بیستون بن جهانگیر کجور را منصوب شد، اشرف پسرش کاوس را در قلعه کجور گذاشته بسال ۵-۱۵۰۴/۹۱۰ به گیلان مراجعت کرد. پس از بازگشت اشرف و پس از آنکه بیستون در گذشت کاوس از تسلیم حکومت به پدر منصرف شد و در سال ۱۰-۱۵۰۹/۹۱۵ وی را بزندان انداخت. ولی اشرف موفق شد که از زندان فرار کرده بسوی آقارستم روزافزون که به قسمتی از مازندران حکومت میکرد فرار کند. بالاخره اشرف بسال ۱۶-۱۵۱۵/۹۲۱ در گذشت.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- کاوس.

۲- بیستون که پدر جهانگیر بود.

۳- اسکندر.

۴۱- کاوس بن اشرف (شمس الدین، صفحات: ۳۱۵، ۳۲۳-۳۱۹، ۳۲۶).

۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۶۰-۳۵۸، ۳۷۲، ۳۹۳، ۴۰۱-۳۹۸ و تستری). .

وی از سال ۹۱۳ تا ۷/۹۵۰-۱۵۰۷ تا ۴-۱۵۴۳ حکومت و با دختر سلطان احمد بن سلطان حسن بیابیشی ازدواج کرد. گویا وی بوسیله پسرش کیومرث مسموم شد.

#### ۴۲- بیستون بن اشرف (تستری).

سال ۴-۱۵۴۳/۹۵۰ پسرش جهانگیر را بقتل رسانید و در زمان حیات پدر نیز برادرش اسکندر را کشته بود. چون رعایش از ظلم و ستم وی بستوه آمدند قیام کرده کیومرث بن کاوس را بجای وی منصوب کردند.

پسرانش عبارت بودند از:

۱- جهانگیر.

۲- کیومرث.

#### ۴۳- کیومرث بن کاوس (تستری).

مدت ۱۸ سال پدرش ویرا در زندان نگاه داشته بود و پس از آنکه وی در گذشت کیومرث با کمک آقا محمد روز افزون کجور را متصرف شد. و در ۱۵ ذی قعدة ۲۰/۹۶۳ سپتامبر ۱۵۵۶ در گذشت. وی پسری بهمن نام داشت.

#### ۴۴- جهانگیر بن کاوس (تستری).

وی جانشین برادرش کیومرث شد و برای زیارت به مکه رفت. جهانگیر در کجور و برادرش کیومرث در لاریجان فرمانروائی میکرد.

وی در سال ۸-۱۵۶۸/۹۷۵ در گذشت. بگفته زاخاو بر علیه شاه طهماسب اول صفوی (۹۸۴-۹۳۰) قیام کرد ولی شاه طهماسب ویرا مغلوب کرد و دستور داد بزنجیر بسته به الموت بفرستند. جهانگیر در همانجا در گذشت. وی پسری بنام سلطان محمد داشت.

۴۵- سلطان محمد بن جهانگیر (عبدالفتاح، صفحات: ۱۲۷، ۱۹۰، واسکندر، صفحات: ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۲، ۳۳۱، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۷۶، ۳۷۸، ۴۰۲ و تستری). وی از سال ۹۷۵ تا ۸/۹۸۴-۱۵۶۷ تا ۷۷-۱۵۷۶ در کجور با پرداخت خراج بشاه طهماسب اول حکومت میکرد. سلطان محمد که ملک محمد نیز نامیده میشود بر علیه شاه طهماسب اول قیام کرد. شاه طهماسب سپاهی تحت فرماندهی امام قلی به محاصره قلعه کجور بفرستاد. امام قلی بحیله کشته شد و چون لشکرش فرمانده خود را از دست داد منهزم شد. لشکری دیگر بفرماندهی مراد نام در سال ۷۶-۱۵۷۵/۹۸۳ قلعه کجور را متصرف شد ولی سال بعد چون خبر مرگ طهماسب بآنان رسید قلعه را رها کرده مراجعت کردند. پسران وی که همه بسال ۹۸-۱۵۹۷/۱۰۰۶ بقتل رسیدند عبارت بودند از:

۱- جهانگیر .

۲- اشرف .

۳- کاوس .

۴۵- جهانگیر بن سلطان محمد (عبدالفتاح، صفحات: ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۹۳، ۱۹۵، واسکندر، صفحات: ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۱).  
جهانگیر جهانشین پدرش سلطان محمد شد. هنگامی که مازندران بوسیله شاه عباس دوم فتح می شد مجبور شد خود را بدر بار برساند و آنجا از ندمای پادشاه گردید. مدتی بعد چون مورد بی مهری دربار واقع شد بدون اجازه آنجا را ترک کرده بسوی قلعه کجور که قبلاً در تصرف داشت روانه گردید. قورچی باشی با ۱۰۰۰۰ مرد جنگی به تعقیب او روانه شد. جهانگیر به جنگل پناهنده شد ولی بالاخره در هرنداب دستگیر گردید. و برادرانش بسال ۸-۱۵۹۷/۱۰۰۶ در ساوجبلاق بقتل رسید.

۴۶- بهمن بن کیومرث بن کاوس مشهور به بهمن لاریجانی (اسکندر، صفحات: ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۸-۳۴۰، ۳۵۲، ۴۰۲).

وی حاکم لاریجان گردید و در یک موقع مقتضی آمل را متصرف شد. وی عموزاده اش ملک سلطان حسن را بچرم اینکه برادرش ملک سلطان حسین بدر بارشاه رفته است بکشت. فرهادخان که از طرف شاه بحکومت مازندران منصوب شده بود بهمن را مطمئن ساخت و بهمن نیز بسوی او رفت. سپس بامر شاه عباس، فرهادخان وی و فرزندان او را به ملک سلطان حسین لواسانی برادر ملک سلطان حسن تسلیم کرد. ملک سلطان حسن آنهارا بسال ۹۸-۱۰۶/۱۵۹۷ بکشت. وی پسری کینخسرو نام داشت.

۴۶- کینخسرو بن بهمن (اسکندر، صفحات: ۳۴۶، ۳۷۴).

هنگامی که پدرش بقتل رسید وی ۱۸ سال بیش نداشت و مجبور شد متصرفات خود را به شاه تسلیم کند. ولی شاه وی را به سلطان حسین لواسانی سپرد و سلطان حسین نیز بسال ۹۸-۱۰۶/۱۵۹۷ او را بکشت.

پایان قسمت اول.